

قطعنامه‌هایی که علیه اسرائیل صادر می‌شود، تحریم قضات دیوان بین‌المللی کیفری که حکم بازداشت سران رژیم صهیونیستی را به جرم نسل‌کشی صادر کرده‌اند و ارائه سلاح‌هایی به رژیم که تا به حال توسط هیچ‌کدام از رهبران آمریکایی اجازه آن صادر نشده بود، تنها گوشه‌ای از اقدامات ترامپ برای باقی نگه داشتن نتانیاهو در قدرت است. او تنها به همین مساله نیز بسنده نکرده و شخصا با حماس رودرو شده و این گروه را تهدید می‌کند، روزانه خواستار بیرون راندن فلسطینیان از سرزمین‌های خود بویژه در نوار غزه می‌شود و پیش از این بارها با طرح الحاق کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی موافقت کرده است. او در دوره اول ریاست جمهوری خود نیز بلندی‌های جولان را به عنوان سرزمین تحت حاکمیت رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخت و دستور انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به اورشلیم را صادر کرد تا نشان دهد با نقشه‌های آپارتاید رژیم برای تبدیل سرزمین‌های اشغالی به سرزمین یهودیان صهیونیست همکاری تمام و کمال دارد.

مشکل در شرایط فعلی دیگر دورویی و نفاق غرب در استفاده از کلماتی مانند حقوق بشر و مقابله با جنایات جنگی و ایجاد صلح نیست؛ مشکل حالا شخصی فاسد اما دارای قدرت است که به دلایلی نامعلوم (و از نظر برخی کاملاً معلوم و واضح) همچنان از یک فاسد و جنایتکار دیگر حمایت می‌کند. البته اروپا نیز در این زمینه بیگناه نیست و صداهایی که جدیداً از برخی رهبران اروپایی شنیده می‌شود، در واقع تاش آنها برای شانه خالی کردن از بار مسؤولیتی است که در این باره دارند. اگر امروز فرانسه، آلمان و بریتانیا یا حتی کانادا اعلام می‌کنند کشور فلسطین را به رسمیت می‌شناسند (اقدامی با ابهامات و اما و اگرهای فراوان) تنها تلاشی مذبحخانه برای فرار از اتهام همکاری مستقیم با یک جنایتکار جنگی است. در غیر این صورت باید دید آیا با عزم جدی دست به تحریم این رژیم یا حداقل عدم فروش و ارسال سلاح به آن می‌زنند؟

■ **وتوی آمریکا راه را برای گرسنگی دادن باز کرد**

مسئله‌ای که باید درباره آن کارهای پژوهشی و دیپلماتیک زیادی انجام شود، تلاش آمریکا و رژیم صهیونیستی برای مشروع جلوه دادن جنایت‌های‌شان در غزه است. این مساله تا حدی پیش رفته است که آمریکا بارها و بارها از ابتدای جنگ، قطعنامه‌های شورای امنیت درباره ضرورت آتش‌بس در غزه را وتو کرده یا به قطعنامه‌های تصویبی مجمع عمومی این سازمان بی‌توجهی کرده است.

یکی از این اقدامات رسماً راه را برای ایجاد عمدی قحطی و گرسنگی دادن مردم غزه باز کرد. ۴ ژوئن ۲۰۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد در جلسه‌ای اضطراری، قطعنامه‌ای را با هدف اعلام آتش‌بس فوری، بدون قید و شرط و دائمی در غزه به رأی گذاشت. این قطعنامه همچنین خواستار آزادسازی فوری و بدون قید و شرط تمام اسرا و رفع تمام محدودیت‌ها بر ورود کمک‌های بشردوستانه به غزه بود. تمام اعضای شورای امنیت جز آمریکا به این قطعنامه رأی مثبت دادند. آمریکا با استفاده از حق وتو، مانع تصویب آن شد. آمریکا در توضیح رأی منفی خود، چندین دلیل را مطرح کرد که هر کدام از دیگری بی‌اعتبارتر بودند. در ابتدای امر آمریکا اعلام کرد قطعنامه پیشنهادی به طور یک‌جانبه به اسرائیل فشار می‌آورد و حق دفاع مشروع این رژیم را نادیده می‌گیرد و بدین صورت عملاً تلاش کرد سابقه تاریخی اشغال، زورگویی و استعمارگری رژیم در منطقه را مورد توجه قرار ندهد. ایالات متحده همچنین از اینکه در این قطعنامه به گروه حماس اشاره‌ای نشده بود، عصبانی بود و معتقد بود باید اقدامات حماس را دلیل شروع جنگ و اقدامات رژیم صهیونیستی دانست و معتقد بود این قطعنامه فشار بر حماس را کاهش می‌دهد یا این گروه را به لحاظ دیپلماتیک تقویت می‌کند. این مساله البته با اعمال سیاست ایجاد قحطی در عمل اتفاق افتاد، بدون اینکه در قطعنامه‌ای به حماس اشاره شود! آمریکا معتقد بود تصویب این قطعنامه ممکن است بر تلاش‌های دیپلماتیک برای دستیابی به آتش‌بس تأثیر منفی بگذارد! وتوی آمریکا در همان زمان با واکنش‌های منفی زیادی در سراسر جهان روبه‌رو شد. سازمان غوغو بین‌الملل این اقدام آمریکا را «غیرانسانی» و «شرم‌آور» خواند و آن را در راستای حمایت از «نسل‌کشی» اسرائیل در غزه دانست. ریاض منصور، نماینده فلسطین در سازمان ملل اعلام کرد در پی وتوی آمریکا، از مجمع عمومی سازمان ملل درخواست خواهد کرد قطعنامه‌ای مشابه را تصویب کند.

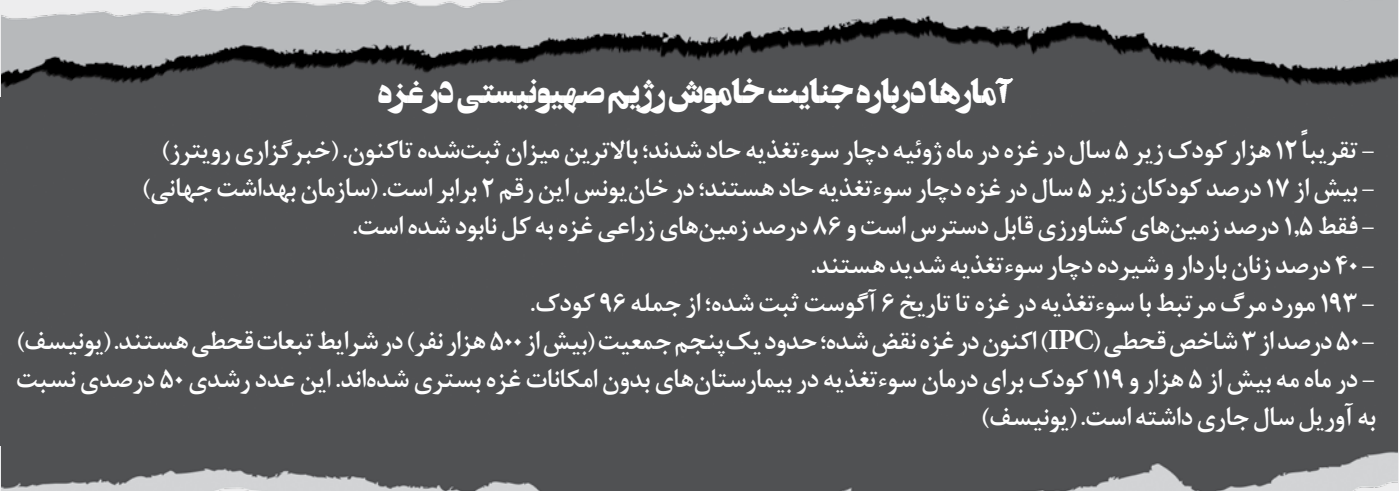
۱۲ ژوئن ۲۰۲۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در یک جلسه فوق‌العاده، قطعنامه‌ای را با هدف ممنوعیت استفاده از گرسنگی به عنوان ابزار جنگی و حمایت از دسترسی بشردوستانه به غزه به تصویب رساند. این قطعنامه با حمایت ۱۴۹ کشور، مخالفت ۱۲ کشور و ۱۹ عضو نامرتب، اسرائیل، آرژانتین، مجارستان، پاراگوئه، فیجی، ژائورو، بوالو، میکرونزی، هند، گرجستان، اکوادور، رومانی و اتیوپی از جمله کشورهای مخالف با قطعنامه بودند. قطعنامه مذکور که توسط بیش از ۲۰ کشور ارائه شد، به طور خاص استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی را محکوم کرده، خواستار رفع کامل محاصره اسرائیل بر کمک‌های بشردوستانه و حفاظت از غیرنظامیان تحت‌توقاات بین‌المللی شد. اگرچه قطعنامه‌های مجمع عمومی الزام‌آور نیست اما از نظر سیاسی و اخلاقی وزن قابل توجهی دارد. در پی تصویب این قطعنامه، انتقادهای شدیدی از سوی کشورهای مختلف و نهادهای حقوق بشری علیه آمریکا و اسرائیل مطرح شد. این انتقادات بویژه در زمینه بحران انسانی در غزه و استفاده از گرسنگی به عنوان ابزار جنگی متمرکز بود. از آن زمان تاکنون این محبت در مجامع بین‌المللی مطرح است که آمریکا با وتوی خود، زمینه را برای ایجاد قحطی در غزه فراهم کرد و حالا با دست‌های مارمپ دربار «کمک‌های مالی و بشردوستانه به غزه» نمی‌توان آن کار اصلی را نادیده گرفت، اگرچه انجام شدن همین اقدامات به ظاهر بشردوستانه نیز هم‌اکنون با تردیهای زیادی مواجه است.



قحطی سازمان یافته؛ داستان تلخ محاصره غذایی یک ملت در قرن بیست‌ویکم

روایت آماری یک جنایت

داده‌های رسمی و میدانی نشان می‌دهد بحران غذایی در غزه دیگر پیامد جنگ نیست، بلکه بخشی از استراتژی صهیونیست‌ها در جنگ است



آمارها درباره جنایت خاموش رژیم صهیونیستی در غزه

- تقریباً ۱۲ هزار کودک زیر ۵ سال در غزه در ماه ژوئیه دچار سوء‌تغذیه حاد شدند؛ بالاترین میزان ثبت‌شده تاکنون. (خبرگزاری رویترز)
- بیش از ۱۷ درصد کودکان زیر ۵ سال در غزه دچار سوء‌تغذیه حاد هستند؛ در خان یونس این رقم ۲ برابر است. (سازمان بهداشت جهانی)
- فقط ۱.۵ درصد زمین‌های کشاورزی قابل دسترسی است و ۸۶ درصد زمین‌های زراعی غزه به کل نابود شده است.
- ۴۰ درصد زنان باردار و شیرده دچار سوء‌تغذیه شدید هستند.
- ۱۹۳ مورد مرگ مرتبط با سوء‌تغذیه در غزه تا تاریخ ۶ اگوست ثبت شده؛ از جمله ۹۶ کودک.
- ۵۰ درصد از ۳ شاخص قحطی (IPC) اکنون در غزه نقض شده؛ حدود یک‌پنجم جمعیت (بیش از ۵۰۰ هزار نفر) در شرایط تبعات قحطی هستند. (یونیسف)
- در ماه مه بیش از ۵ هزار و ۱۱۹ کودک برای درمان سوء‌تغذیه در بیمارستان‌های بدون امکانات غزه بستری شده‌اند. این عدد رشدی ۵۰ درصدی نسبت به آوریل سال جاری داشته است. (یونیسف)

غذایی این منطقه و سرزمین‌های زراعی و تحت فشار گذاشتن گروه‌های مقاومت برنامه‌ریزی کرده بود. این رژیم حالا سعی دارد از سیاست «گرسنگی دادن» برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند. این در شرایطی است که بر اساس ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون ژنو (۱۹۴۷)، «گرسنگی دادن به غیرنظامیان به عنوان روش جنگی» به طور صریح ممنوع و «تخریب، انتقال یا بی‌اثر کردن منابعی که برای بقای غیرنظامیان ضروری است» جرم جنگی محسوب می‌شود.

در نظریه‌های روابط بین‌الملل، این سیاست اغلب در پیوند با قدرت سخت (Hard Power) و قدرت ساختاری (Structural Power) تحلیل می‌شود. دولت‌هایی که به دنبال سلطه و کنترل بر یک جمعیت هستند، با تخریب یا محدودسازی منابع حیاتی، وابستگی کامل و ناتوانی مقاومت اجتماعی را تحمیل می‌کنند. این همان چیزی است که در ادبیات پسالستعماری، به عنوان «استعمار معیشتی» شناخته می‌شود: استفاده از ابزارهای اقتصادی و معیشتی برای تضعیف یک ملت، بی‌آنکه الزاماً به اشغال دائم خاک بپردازند. اقدام رژیم صهیونیستی در ایجاد قحطی در غزه، اقدامی برنامه‌ریزی شده برای اجرای فاز دوم طرح این رژیم برای این باریکه است: اشغال کامل این منطقه و بیرون راندن مردم از آن.

این سیاست وحشیانه علیه ملتی که سرزمین خود را در طول دوران اشغال از دست داده، سیاستی جدید توسط یک عده استعمارگر نیست و همیشه در طول تاریخ، استعمارگران با اعمال سیاست ایجاد عمدی قحطی یا قحطی سازمان‌یافته به دنبال فشار برای کوچاندن مردم بوده‌اند.

■ **گرسنگی دادن اجباری در تاریخ معاصر**
قحطی بنگال در سال ۱۹۴۳ که در نتیجه سیاست‌های استعماری بریتانیا و انتقال منابع غذایی به ارتش متفقین رخ داد و میلیون‌ها کشته برجا گذاشت، یک نمونه از این موارد است. این سیاست در حالی توسط صهیونیست‌ها دنبال می‌شود که در محاصره لنینگراد در فاصله سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۴ نیز ارتش نازی باعث مرگ حدود یک میلیون غیرنظامی از گرسنگی شد. در موارد اخیر نیز می‌توان به قحطی یمن در جنگی که عربستان علیه این کشور به راه انداخت اشاره کرد. گزارشگران سازمان ملل اعلام کردند این «گرسنگی ساخت بشر» است. در یمن در سال‌های جنگ (از ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱) بیش از ۲۲۳ هزار نفر بر اثر گرسنگی و بیماری‌های قابل پیشگیری جان باختند که بسیاری از آنان کودکان زیر ۵ سال بودند.

در مورد غزه اما وجه تمایز اصلی این است که محاصره اقتصادی و محدودیت ورود کالا و غذا، نه صرفاً در طول جنگ اخیر، بلکه از سال ۲۰۰۷ به شکل سیستماتیک اعمال شده است؛ بحران ایجاد شده توسط صهیونیست‌ها در روزهای بعد از عملیات ۱۷اکتبر، تنها تشدید این سیاست است.

■ **کشتار با ایجاد قحطی تا چه حد متجاوز را یاری می‌دهد؟**

تجربه‌های تاریخی نشان داده این سیاست‌ها در بلندمدت اغلب نتیجه معکوس می‌دهد. در بسیاری موارد (از جمله محاصره لنینگراد و قحطی بنگال) مقاومت اجتماعی و انزاجار بین‌المللی علیه مهاجم تقویت می‌شود و حتی سرمایه سیاسی او را در سطح جهانی کاهش می‌دهد. در غزه نیز شواهد نشان می‌دهد به‌رغم فاجعه انسانی، این سیاست هنوز نتوانسته به تغییر اساسی در مواضع مقاومت یا تسلیم کامل جمعیت بینجامد.

نشریه وکس اخیراً در مطلبی به همین مساله پرداخته است: «محدودیت‌های اسرائیل بر کمک‌های بشردوستانه به غزه، پیش از هر چیز، یک فاجعه اخلاقی است. سیاست‌های اسرائیل از ماه مارس، بویژه توقف اولیه ورود کمک‌ها به این منطقه، به وضوح منجر به بحران گرسنگی در این منطقه شده است. این در حالی است که هیچ توجیهی برای گرسنگی دادن عمدی به کودکان وجود ندارد اما جالب اینجاست که این سیاست از نظر استراتژیک نیز برای اسرائیل به شکستی آشکار تبدیل شده است - شکستی که پیامدهای شومی برای طرح تازه نخستوزیر بنیامین نتانیاهو درباره اشغال کامل نوار غزه دارد».

زک بیوجامپ، خبرنگار ارشد وسایط وکس در ادامه تصریح کرده است: «محدودیت‌های کمک‌های بشردوستانه که با هدف تضعیف حماس اعمال شد، در واقع موقعیت این گروه را تقویت کرده و اهرم‌های جدیدی به آنها در مذاکرات آتش‌بس داده است. خشم بین‌المللی طی ۲ هفته گذشته باعث شده متحدان مهم اسرائیل - فرانسه، بریتانیا و کانادا - از به رسمیت شناختن دولت فلسطین حمایت کنند. شاید مهم‌تر از همه، رنج مردم غزه به اتحاد استراتژیک اسرائیل با آمریکا آسیب شدیدی زده و طیف وسیعی از دموکرات‌ها و حتی برخی جمهوری‌خواهان حامی ترامپ را از اسرائیل بیزار کرده است».

نویسنده این مطلب در ادامه تأکید کرده است: «این فقط نظر من نیست، بلکه تحلیلی است که کارشناسان آگاه از طیف‌های مختلف سیاسی به آن رسیده‌اند و خشم اخیر بین‌المللی نسبت به گرسنگی در غزه را یک فاجعه برای اسرائیل می‌دانند».

در ادامه این مطلب نکته جالبی بیان شده که نشان‌دهنده شکست سیاست «قحطی دادن» به مردم غزه برای پیروزی بر حماس است: «کنته کلیدی از نظر نظامی این است که اسرائیل ثابت کرد نمی‌تواند رنج مردم غزه را به امتیازی در میز مذاکره تبدیل کند. برعکس، هرچه وضع بدتر می‌شود، اسرائیل بیشتر احساس نیاز به تغییر مسیر می‌کند، بدون اینکه حماس مجبور باشد چیزی در عوض بدهد».

در ادامه مطلب وکس آمده است: «در طول جنگ غزه، اسرائیل توانسته بود با وجود مخالفت فزاینده افکار عمومی در بسیاری کشورها به لطف حمایت رهبران دموکراسی‌های غربی به پیش برود. اتحادیه اروپایی شریک تجاری اسرائیل و آمریکا تأمین‌کننده نظامی و حامی دیپلماتیک آن؛

از نخستین ساعات حمله رژیم

صهیونیستی به نوار غزه در ۸ اکتبر ۲۰۲۳، ساختار محاصره و فشار معیشتی بر این منطقه وارد مرحله‌ای تازه و بی‌سابقه شد. بر اساس داده‌های یونیسف و



سازمان جهانی بهداشت، در ژوئیه ۲۰۲۵ میلادی ۱۲ هزار کودک زیر ۵ سال تنها در یک ماه دچار سوء‌تغذیه حاد شده‌اند.^۱ این رقم نه‌تنها رکورد تاریخی بحران‌های انسانی غزه را شکسته، بلکه نشان‌دهنده استفاده آگاهانه از «گرسنگی به عنوان ابزار جنگ» است؛ ابزاری که در ادبیات حقوق بین‌الملل مصداق آشکار جنایت جنگی محسوب می‌شود. طی همین بازه، بیش از ۵۰۰ هزار نفر (معادل تقریباً یک‌پنجم کل جمعیت غزه) در وضعیت «فاز قحطی» طبق شاخص IPC قرار گرفته‌اند.^۲ به موازات این بحران، آمار مرگ ناشی از گرسنگی و سوء‌تغذیه به دست‌کم ۱۹۳ نفر رسیده است که از این میان، ۹۶ نفر کودک بوده‌اند.^۳ همه این آمارهای وحشتناک و داده‌هایی که با محدودیت بسیار توسط سازمان‌های حقوق بشری و بین‌المللی به ثبت رسیده، تنها شامل موارد ثبت‌شده است و آمار واقعی به احتمال بسیار، بالاتر از میزان فعلی است.

بر اساس این آمارها ۴۰ تا ۴۳ درصد زنان باردار و شیرده در کلینیک‌های غزه دچار سوء‌تغذیه شدید شده‌اند؛^۴ مساله‌ای که می‌تواند انگشت اتهام درباره «نسل‌کشی در غزه» را به سمت صهیونیست‌ها نشانه رود. از دسامبر ۲۰۲۳ تا آوریل ۲۰۲۴ میلادی ۹۰ درصد کودکان زیر ۲ سال به طور کامل از تنوع غذایی محروم بودند و ۶۵ درصد آنها تنها به یک گروه غذایی دسترسی داشته‌اند یا اساساً به هیچ گروه غذایی دسترسی نداشته‌اند.^۵ در نهایت اینکه به نوشته نشریه تایم، گزارش‌های سازمان ملل، از جمله IPC، شرایط غزه را در حالت «سناریوی بدترین قحطی قابل تصور» توصیف کرده است.

به همین جنگ کنونی ختم نمی‌شود و ریشه‌های آن به سال‌ها پیش بازمی‌گردد. بر اساس داده‌های تاریخی، سال ۲۰۰۳ حدود ۲۲ درصد کودکان زیر ۵ سال در غزه دچار سوء‌تغذیه بودند؛ این رقم تا سال ۲۰۱۲ اندکی کاهش یافت اما هرگز به سطح استانداردهای بین‌المللی نرسید.^۶ با آغاز محاصره در سال ۲۰۰۷ و تشدید آن در سال‌های بعد، زیرساخت‌های حیاتی از جمله آب، برق و سیستم بهداشت عمومی به طور سیستماتیک فرسوده شد. رژیم صهیونیستی که اجازه ورود هیچ کالا و مواد اولیه‌ای برای تولید، نگهداری و نوسازی زیرساخت‌های غزه را نمی‌داد، راه را برای جنایت فعلی در غزه از سال‌ها پیش باز کرد. در اوج بحران کنونی، برق در غزه ۹۰ درصد کاهش یافت و ۸۳ درصد خانوارها مجبور به اتخاذ «استراتژی‌های مصرف اضطراری» برای بقا شدند.^۷

همه این داده‌ها، تکه‌ای از یک پازل بزرگ است که نشان می‌دهد گرسنگی در غزه نه یک پیامد جانبی، بلکه بخشی از یک سیاست کلان برای کنترل جمعیت، تخریب ساختار اجتماعی و تحمیل اراده سیاسی بر یک ملت تحت اشغال است. چنین سیاستی در چارچوب نظریه‌های روابط بین‌الملل، قابل تحلیل به عنوان «استعمار نوین از طریق ابزار معیشتی» است؛ مدلی که در آن سلاح، نه تنها گلوله و بمب، بلکه نان و آب است.

■ **گرسنگی دادن اجباری از منظر حقوق بین‌الملل**
گرسنگی دادن و ایجاد عمدی قحطی در جنگ‌ها، صرفاً یک تاکتیک نظامی نیست، بلکه در چارچوب حقوق بین‌الملل مصداق آشکار جنایت جنگی و گاه جنایت علیه بشریت است. بنیامین نتانیاهو به صورت شخصی و دولتش به صورت سازمان‌یافته و رسمی در حال رد حقایق مرتبط با ایجاد عمدی قحطی در غزه و کشتار مردمی هستند که برای کسب مواد غذایی ساعت‌ها در صف دریافت کمک‌های بشردوستانه می‌مانند و در نهایت هم به سیل حملات و تیراندازی نظامیان تبدیل می‌شوند. در مقابل اما تصاویر و آمارهای موجود نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی از سال‌ها پیش درباره تنگ‌تر کردن محاصره غزه، از بین بردن مواد

1- Reuters, WHO Data, 7 Aug 2025.
2- UNICEF & IPC Famine Review, 2025.
3- Cadena SER, Aug 2025.
4- WHO, Save the Children Reports, Jul 2025.
5- UNICEF Gaza Nutrition Survey, Apr 2024.
6- Historical Data: UNICEF, 2003–2012.
7- Israeli Blockade Impact Report, 2023–2025.